

است علیه السلام ازین بیت این تمیز هلاک شد و من نزدیک بهلا
رسیدم اما نجات یافتیم **واذا تجمل آنت** که ابوالمیسر بن عمرو
ایمیرالمؤمنین عباس رضی الله عنهما اسیر گردید و کعب رومی کردیت
بود و عباس بیعت جیم رسول صلی الله علیه و سلم پرسید که بجای ما
چگونه اسیر کردی گفت یا رسول الله مردی مرا در کابری کرد که هرگز
ویران نیده بودم و بعد از آن نیز نبودیم و وصف میات او کرد
رسول صلی الله علیه و سلم گفت ترا ملکی که هم مدکاری کرده است
واذا تجمل آنت که چون عباس اسیر شد و با او بیت اوقیة زد
بود که از برای طعام مشرکان برداشته بود زیرا که وی یکی از آن
ده کس بود که شغل اطعام ایشان شده بودند اما هنوز زلفت
بوی نوسیده بود عباس می گوید که رسول صلی الله علیه و سلم آن
زدر از من بستد گفتم یا رسول الله آنرا در فدیه حساب من می
گفت چیزی که برون آوردی تا بدان دشمنان ما را یاری دی
از فدیه محسوب می افتد و بر من تکلیف فدیه و فدیه متعلقان من
کرد گفتم چنان کردی که در باقی عمر از مردم چیزی بایندخواست
فرمود که آن زر که با تم الفضل دادی و گفتمی اگر هادیه باشد از آن
تو و بعد از آن فضل و قسم من گفتم از بی دانستی فرمود که مرا
خدا ای تمام جزوا گفتم کوهای می دهم که صادق زیر آن من آن
زربانم الفضل دادم و هیچ کس بغیر خدا می توان آن مطلع شد

مگر کوهای

مگر کوهای می دهم که هیچ خدای بغیر خدای عالم نیست و تو رسول
خدا بی **واذا تجمل آنت** که عکاشه بن محسن در روز بدر
مقاتله کرد شمشیر وی شکست رسول صلی الله علیه و سلم شامی
هنرم بزرگ بوی داد که باین مقاتله کن چون آنرا بدست خود
گرفت و بچنانند شمشیری شد بغایت خوب بآن مقاتله کرد
تا اهل اسلام غالب آمدند بعد از آن همیشه در سینه زوات بآن
مقاتله کرد تا آن روز که در حربه اهل رده شهید شد و آن
شمشیر را عون نام کرده بودند **واذا تجمل آنت** که درین روز
امیه بن خلف ضربت بر خیب زد و بیکت ویران زد و دشمن جدا
ساخت بعد از آن که خیب امیه را کشت رسول صلی الله علیه و سلم
دست خیب بجای باز نهاد و خدای است صحت داد **واذا تجمل**
آنت که درین روز چیزی بر چشم قاصد بن النعمان رضی الله
عنه آمد که حدقه وی بیرون آمد و بر رخسار وی افتاد و در حدقه
آرزو بر نه بار گفتند که اول با رسول صلی الله علیه و سلم مشاورت
کنیم رسول صلی الله علیه و سلم ویرا طلبید و نزدیک خود نشاند
و حدقه ویرا بجای باز نهاد و گفت دست مبارک بر آنجا مالید
چنان شد که نمی دانستند که آن کدام چشم بوده است **واذا تجمل**
آنت که سایب بن ابی جیس در زمان عمر بن الخطاب رضی
الله عنه گفته است که واقعه را در روز بدر هیچ کس سیر نکرد و لیکن